

## ترتیب و آداب متن‌زدن

① حالا که تکنیک‌های مختلف متن‌زدن را یاد گرفتید، حق دارید که بپرسید ترتیب انجام کار چیست. من ترتیب کار را قدم‌به‌قدم برایتان می‌گویم:

• قدم اول: متن را skim کنید.

• قدم دوم: صورت تمام سؤال‌ها را بخوانید. فقط صورت سؤال‌ها، نه گزینه‌ها را. کنار سؤال‌های مرجع و مترادف علامت بزنید. سؤال‌های کلیددار را با خط کشیدن دور کلمه‌های کلیدی، مشخص کنید. این سؤال‌ها، سؤال‌هایی است که در اولویت پاسخگویی قرار دارد. سؤال‌هایی که علامت نخورده‌اند، سؤال‌های استنباطی هستند و باید آخر سر به آن‌ها جواب بدهید.

• قدم سوم: بروید سراغ یکی از سؤال‌ها. یک بار دیگر صورت سؤال را بخوانید تا دقیقاً بفهمید که از شما چی خواسته. بعد، گزینه‌ها را بخوانید و سعی کنید گزینه‌های «گل‌درشت» را مشخص کنید و موقتاً کنار بگذارید. تمام تمرکزتان روی گزینه‌های باقی‌مانده باشد. اگر در آن‌ها کلمه‌های کلیدی وجود دارد، آن‌ها را هم مشخص کنید تا حواستان باشد جوابی که دنبالش می‌گردید، از چه «جنسی» است.

• قدم چهارم: حالا برگردید توی متن و آن را scan کنید. در این مرحله باید به دنبال کلمه‌های کلیدی صورت سؤال باشید؛ در عین حال، باید کلمه‌های کلیدی گزینه‌ها را هم در ذهن داشته باشید. جواب را که پیدا کردید، کار تمام است. بروید سراغ سؤال بعدی.

• قدم پنجم: وقتی کارتان با سؤال‌های مرجع، مترادف و کلیددار تمام شد، می‌توانید بروید سراغ سؤال‌های استنباطی. سؤال «عنوان و موضوع» یک سؤال استنباطی است. سؤالی که می‌گوید «از متن می‌فهمیم که/نتیجه می‌گیریم که ...» یک سؤال استنباطی است. حتی سؤال‌هایی که می‌گوید «طبق متن، کدام یک از گزینه‌ها درست/غلط است» یک جورهایی استنباطی است، چون باید برای هر کدام از گزینه‌ها، جُداً، کلید پیدا کنید و با رد کردن سه گزینه، به جواب برسید. این نوع سؤال، خیلی وقت‌گیر است. به همین خاطر، من ترجیح می‌دهم که آن‌ها را هم جزو سؤال‌های استنباطی دسته‌بندی کنم.

② اگر زبانتان خیلی خوب است، اهل مطالعه هستید و اعتمادبه‌نفس کافی هم دارید، می‌توانید ترتیب «قدم‌ها» را به هم بریزید و جور دیگری «قدم» بردارید. مثلاً، من خودم اول صورت سؤال‌ها را می‌خوانم و کلمه‌های کلیدی و نوع سؤال را مشخص می‌کنم. بعد متن را skim می‌کنم.

③ تکنیک‌های پاسخگویی به متن، یک مهارت است؛ رانندگی هم یک مهارت است. هیچ کس با خواندن کتاب آئین‌نامه، راننده نمی‌شود. آن‌چه از شما یک راننده می‌سازد، تمرین رانندگی است. هزار بار هم که این تکنیک‌ها را بخوانید، فایده‌ای ندارد. باید آن‌ها را هنگام متن‌زدن، تمرین کنید و تمرین کنید و تمرین کنید. اگر قرار است بعد از زدن سه چهارم متن خسته شوید و تکنیک‌ها را رها کنید، همان بهتر که اصلاً سراغ این تکنیک‌ها نروید.

④ یک اشتباه بزرگ در میان تازه‌کارها این است که اسیر کلمه‌های ناآشنا می‌شوند. اشتباه بزرگ‌ترشان این است که سعی می‌کنند سر خودشان را با حفظ کردن کلمه‌های متعدد خارج از کتاب، گرم کنند. یادتان باشد که قرار نیست متن را کلمه‌به‌کلمه برای خودتان معنی کنید. شما فقط نیاز دارید به یک درک کلی از متن برسید. اگر به یک کلمه ناآشنا برخوردید که دانستن معنی آن ضروری بود، سعی کنید با کمک کلمه‌های اطرافش، معنی آن را حدس بزنید. به ساختار کلمه دقت کنید، شاید با کمک پسوندها و پیشوندها و در نظر گرفتن هم‌خانواده‌هایش، بتوانید معنی کلی آن را حدس بزنید. اطراف کلمه را خوب نگاه کنید. شاید خود نویسنده آن را برای شما معنی کرده باشد (defining)؛ یا شاید با آوردن یک مثال (exemplifying) معنی آن را لو داده باشد. گاهی حضور یک عامل تضاد در اطراف کلمه ناآشنا می‌تواند شما را به سمت معنی کلمه راهنمایی کند. اگر فرصت کردید، بروید سراغ کتاب تست زبان دهم و «روش‌های ماهی‌گیری» را یک بار دیگر بخوانید. من در آن قسمت‌ها با آوردن مثال‌های متنوع، یادتان داده‌ام که چه جوری می‌شود معنی کلمه ناآشنا را حدس زد.